

P U S H K I N

دختر کاپیتان

مترجم : اردلان صفایی

THE CAPTAIN'S DAUGHTER

TRANSLATOR: Ardalan Safai

سرشناسه	: پوشکین، آleksandr سرگی پویچ، ۱۷۹۹-۱۸۳۷م.
عنوان و نام پدیدآور	: Pushkin, Aleksandr Sergeevich
مشخصات نشر	: دختر کاپیتان/ مولف آleksandr سرگی پویچ پوشکین؛ مترجم محمدرضا اردلان صفایی.
مشخصات ظاهری	: فہم: سبط النبی، ۱۳۹۲.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۴۰-۸۵-۶
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: عنوان به انگلیسی: The captain's daughter.
یادداشت	: کتاب حاضر اولین بار تحت عنوان "دختر سروان" منتشر شده است.
عنوان دیگر	: دختر سروان.
موضوع	: داستان های روسی - قرن ۱۹م.
شناسه افزودن	: اردلان صفایی، محمدرضا، ۱۳۶۹ - مترجم
رده بندی کنگره	: الف ۱۳۹۲ / ۳۵ PG۳۳۲۶
رده بندی دیویی	: ۷۳۲/۸۱۱
شناسه کتابشناسی ملی	: ۳۰۰۷۲۴۴

دختر کاپیتان



انتشارات سبط النبی
SEBUNABI PUBLICATIONS

مؤلف: اردلان صفایی
ناشر: انتشارات سبط النبی
صفحه آرای: حسن سپهری (ایده: اردلان نوین)

شمارگان ۱۰۰۰

نوبت و سال چاپ اول - ۱۳۹۳

قیمت ۷۵۰۰ تومان

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۴۰-۸۵-۶

مراکز پخش



انتشارات سبط النبی: خیابان صفائی، کوچه ممتاز، کوچه ۷، انتهای کوچه - ۰۲۵۳۷۷۴۵۰۷۵

فهرست مطالب

۹	مقدمه مترجم
۱۰	۱- پوشکین کیست؟
۱۱	۲- انگیزه ترجمه کتاب حاضر؛
۱۲	۳- دقایق فنی ترجمه
۱۳	۴- چند کلام جسته و گریخته
۱۶	پیش درآمد
۲۵	فصل اول: گروه‌بان گارد
۳۸	فصل دوم: راهنما
۵۲	فصل سوم: قلعه
۶۱	فصل چهارم: دوئل
۷۴	فصل پنجم: عشق

۸۴	فصل ششم: هنگامه پوگاچف
۹۸	فصل هفتم: هجوم
۱۰۸	فصل هشتم: مهیمان ناخوانده
۱۲۱	فصل نهم: جدایی
۱۲۸	فصل دهم: محاصره شهر
۱۳۹	فصل یازدهم: قریه طغیانگران
۱۵۴	فصل دوازدهم: دختر یتیم
۱۶۴	فصل سیزدهم: بازداشت
۱۷۴	فصل چهاردهم: بازخواست

درباره نویسنده:

محمد رضا اردلان صفایی در سال ۱۳۳۷ هجری شمسی در شهرستان لنگرود به دنیا آمد وی تحصیلات خود را در رشته علوم طبیعی در دبیرستان امیر کبیر این شهرستان به پایان رساند.

صفایی دارای دانش نامه لیسانس در رشته علوم سیاسی از دانشگاه علامه طباطبایی و دانش نامه نروژی، فرانسه، روسی و عربی آشنا می باشد.

وی پنج کتاب در نوبت انتشار دارد که عبارتند از:

توسعه نابرابر و میراث اجتماعی نژاد پرستی (ترجمه و تألیف)

حیات و سرنوشت کتابخانه باستانی (اسکندریه)، اثر (پرفسور مصطفی العبادی)

پوشکین اثر دیمیتری دبلووی: ترجمه از متن فرانسه

داستان های عمو، داستان های من

جمعیت شناسی کاربردی توسعه ای در ایران

او همچنین دارای مقالات کوتاه دیگری به زبان انگلیسی می باشد که اهم آنها عبارتند از :

سازمان های بین الملل و خروج امریکا از یونسکو:

سیاست بازداری نظامی (تخویف) دو برداشت نظری

تغییرات جمعیتی در جمهوری های آسیایی مرکزی شوروی و بازتاب آن در کرملین.

مقدمه مترجم

به نام خدا

نخست، سپاس بزدان پاک را که توفیق به پایان رساندن ترجمه حاضر را به این بنده کمترین عنایه نمود. "عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ"

ای همه هستی ز تو پیدا شده خاک ضعیف از تو توانا شده آنچه تغییر نپذیرد تویی و آنکه مرده است و نمیرد، تویی و اما بعد، جای آن دارد که موقع را مقتضای این "هدیه مور"، که همانا ترجمه کتاب "دختر کاپیتان" اثر نویسنده و شاعر نامدار روس آلکساندر سرگیویچ پوشکین از روسی به فارسی می باشد، را به ارباب ذوق و فضل تقدیم کنم امید که قبول افتد.

گر چه پیش درآمد ناشر روس، که بلافاصله پس از این مقدمه می آید، با ایجازی قابل ستایش به زوایای گوناگون اثر نظر تأمل افکنده، با این حال صواب آن دیدم که سطوری چند را در بدو امر به تبیین نکات زیر اختصاص دهم:

۱- پوشکین کیست؟

۲- انگیزه ترجمه کتاب حاضر؛

۳- دقائق فنی ترجمه باو

۴- چند کلام جسته و گریخته.

۱- پوشکین کیست؟

دریای ادبیات روسیه هرگز از مرواریدهای درشت قیمتی تهی نبوده است. با این همه، به رغم حقیر، کیان افتخار ادبیات روسی را دو مروارید می‌آرایند که تلالوی وجودشان عالمگیر است: **لرمانتوف و پوشکین**. و "کس نیست که افتاده آن زلف دو تا نیست!"

آن چه این دو را از جمیع ادیبان روسی مستثنی می‌کند، هم زیبایی و نفوذ کلام است و هم بی‌پیر رکت و کوتاهی که در تبعید و تعقیب گذشت و با مرگی جگر سوز به اشعار رسد. سخن **لرمانتوف** را می‌گذارم تا وقتی دگر از قدر و منزلت **پوشکین** همن بس که او در بلاغت و فصاحت و ایجاز اشعار خود را همسنگ آیات (قرآن مجید) می‌داند:

قدر زر زرگر شناسد، قدر گوهر گوهری. "ما، سیم گورکی نویسنده نامدار شوروی، که خود آثاری شرحه شرحه از شور آفرینی و شررزایی دارد، در سالهای پر آشوب قبل از انقلاب اکتبر و نیز در بحبوحه انقلاب مزبور سر هر گذر می‌ایستاد و بلند بلند اشعار ملی- حماسی **پوشکین** را می‌خواند تا از این طریق روحیه انقلابی و ترقی خواهی در کالبد خلق بدمد.

"نه من خام طمع عشق تو می‌ورزم و بس

که چو من سوخته در خیل تو بسیاری هست."

پوشکین در سال ۱۷۹۹ در مسکو به دنیا آمد. در اوایل کار ادبی خویش

متأثر از **لرد با یرون** بود. بعدها رئالیسم را از طریق آشنائی با آثار شکسپیر شناخت و بدان گروید. با آنکه از صاحب منصبان دیوان تزار بود، به خاطر روح ظلم ستیز و حقیقت جوییش بارها و بارها به جرم انتقاد از دستگاه استبداد تبعید شد. آثار او از زیبایی کلام و بار تعهد اجتماعی سرشار است.

وی داستان های منظوم برادران دزد **the robber brothers**، **کولیها the gypsies** و **یوگنی آنگین Eugene Onegin** را بین سال های ۱۸۲۲ تا ۱۸۳۲ نوشت. **باریس گودونف Boris Godnov** را در سال ۱۸۲۵ به اتمام رساند و آخرین نثر خود، **دختر کاپیتان The Captain's Daughter**، را نیز یکسال قبل از کشته شدن در یک دوئل، یعنی به سال ۱۸۳۶، آفرید.

با اینکه به قرینه سازی از مشاعر ادبیات کوچکترین گرایشی ندارم، با این حال آثار پوشکین را می توان معجزه ای از زبردستی ادبی سعدی و غنای معنوی مستتر در اشعار اجتماعی **ناصر خدیو** دانست، شنیده ام یکی از معیارهای ورود به کلاس های بالاتر در دوره های دبیرستانی در شوروی از برداشتن منظومه بلندی از پوشکین است و " تو خود حدیث منصل بخوان از این مجمل".

۲- انگیزه ترجمه کتاب حاضر؛

دختر کاپیتان از دو جهت قابل تحسین است. یکی از جهت بار عاطفی- احساسی اثر و دیگر از جهت بهره شناسی تاریخی آن. احساس می کنم که امروزه روز، حتی در جوامع بسیار سنتی شرق، نظیر جامعه ای که خود ما، در آن زندگی می کنیم، و به رغم همه نمادهای ظاهری فریبنده ای که

تداعی گر عکس قضیه هستند، نوعی خلأ دائم التزاید عاطفی وجود دارد که جو سازی های آگاهانه و از روی نیت مدام بر آن دامن می زند. گرچه شکستن این جو، بدون برخورد تأسیساتی با ساختارهای اجتماعی، که لزوماً به قصد تلاشی و فروپاشی ساختارهای مزبور نیست، ممکن نمی باشد با این همه خلاف رأی سلیم است که از پیش پرچم سفید تسلیم را بلند کرده و به قول شاعر معاصر، آقای **نصرت رحمانی**، مانند آن جنگجویی بود که "جنگید اما شکست خورد!"

در غیر حلّ برای دانشجویان مسائل شوروی و اروپای شرقی، نظیر این بنده کمربند، مطالعه جامعه روسیه در کشاکش قیام **پوگاچف**، بررسی دیگر گونه ای از تاریخ وقوع قیام و عناصر و جهت گیری های طبقاتی جنبش ضد نظام مسلط اجتماعیست. خلاصه کلام، چه بهتر که به یک کرشمه دو یا چند کار برآید و مرضی آداب مطالعه سلايق متنوع گشته و هر کسی از ظنّ خود یار آن شود.

۳- دقائق فنی ترجمه

با اینکه خود را کوچکتر از آن می یابم که عنوان پرافسّاح مترجم را، به معنی دقیق کلمه، یدک بکشم، با این وجود در کتاب حاضر سعی کرده ام حتی المقدور به متن نویسنده روس وفادار بمانم. این وفاداری به متن اصلی در خود کتاب هم که **پوشکین** با استفاده از یک روز شمار خانوادگی نوشته است، به چشم می خورد. شاید نامأنوس بودن برخی نامها یا عناوین اجتماعی نیز که دفعتهاً به میان می آیند ریشه در همان وفاداری نویسنده به اصل متن داشته باشد.

آنچه در ترجمه میان [علامتی از ایندست] قرار می گیرد، اضافات مترجم بر متن اصلی است. این کار را بدان خاطر انجام دادم که فکر می کردم بدون آن معنی برخی عبارات یا جملات سنگین بوده و به فارسی مفهوم نیست- حال آنکه همان عبارت یا جمله به روسی می توانست مفهوم باشد- به علاوه، در ترجمه عبارات منظوم، لاجرم تعهد کمتری نسبت به حفظ کلمه به کلمه ی متن اصلی احساس کرده ام، چرا که حدس می زدم به قول مرحوم سپهری با "طبع شعر و سر سوزن ذوق" خود، بدون ضربه زدن به متن اصلی بتوانم کلام را نافذتر به خواننده ایرانی که خود از مکالمات روزمره و نامه نویسی معمولی گرفته تا متون علمی و ادبی به زبان شعر توسل می جوید، منتقل کنم. با این حال در مقوله نظم هم هر کجا اضافه محسوسی بر متن اصلی نشانده ام آن را [در این علامت] گنجانده ام.

۴- چند کلام جسته و گریخته

اوایل تابستان سال ۱۹۸۷ میلادی سر ادبی عجیبی قرار داشت: رفتن به دانشگاه آمستردام هلند برای شرکت در سمینار "ادبیات مدرن شوروی" یا ماندن در اسلو و شرکت در جشن پایان ترم تحصیلی دانشگاه اسلو. سرانجام بر این دو دلی فائق و راهی آمستردام شدم. دست بر قضا سمیناری بسیار پر بار و موفقیت آمیز بود. اما در بازگشت به اسلو دریافتم که استادیار دوست داشتنی و دلسوز زبان روسی خانم بریت نوری Britt Nordby دار فانی را وداع گفته است. او که از بیماری سرطان رنج می برد، برای آخرین بار در جشن پایان ترم تحصیلی شرکت جسته و فردای آن روز در اوج جوانی، همسر، خانواده، دوستان، همکاران

و شاگردان خود را در اندوه و ماتمی جاودانه گذاشت: "یا ایها الانسان! آنک کادحاً الی ربک کدحاً فملاقیه".

"جامیست که عقل آفرین می زندش

صدبوسه ز مهر بر جبین می زندش

وین کوزه گر دهر، چنین جام لطیف

می سازد و باز بر زمین می زندش"

به پاس همه دلسوزیها، نقد نکته به نکته تکالیف امتحانی و به خاطر همای و همزیانیش، ترجمه حاضر را به مرحومه مغفوره خانم بریت نوربی معلم زبان روسی دانشگاه اسلو تقدیم می دارم: "من علّمنی حرفاً فقد صیرنی حیداً".

در خاتمه، لازم می دانم نهات امتحان خود را نسبت به افراد زیر ابراز نمایم:

-سرکار خانم محمدی و همکارانشان در زمینه تایپ آتنا که با سعه صدر و دقت و حوصله بسیار کار ماشین نویسی و صفحه بندی کتاب را به اتمام رساندند؛

-سرکار خانم هدیه شریفی، بخش کتاب های روسی کتابخانه ملی ایران، که مزاحمت های همیشگی حقیر را تاب آوردند، و

-پدر و مادر و همه معلمین و اساتید خویش که تا بدین جا از محضرشان سود برده ام.

از جمیع خوانندگان این کتاب، اعم از اساتید زبان روسی و صاحب نظران ادبی و هنرهای نمایشی و روسیه شناسان و تاریخ نگاران و عاشقان سینه

چاک ادبیات، دعوت می کنم که منت گذارده و انتقادات و نظرات خویش را به آدرس مترجم ارسال فرمایند تا به خواست خدا در چاپ های آینده از آن ها استفاده شود.

برای همه مردم دنیا، علی الخصوص رنجبران و زحمت کشان و مظلومین، از درگاه ایزد یکتا بهروزی آرزو می نمایم.

ارادتمند- اردلان صفائی

لنگرود- اسفند ۱۳۶۹ ه.ش.

Perse37@yahoo.com

www.ketab.ir